

نکاتی پیرامون سوسیالیسم علمی

(۱۵)

چرائی "نپ" و ارتباط آن با دیکتاتوری پرولتاریا

پروژه اجرای "سیاست اقتصادی نوین" در روسیه آن سیاست نوینی بود که هرگز نمونه آن نه تنها در هیچ کجا از جهان یافت نمی شد بلکه در آثار کلاسیک مارکسیستی نیز از آن سخنی بمیان نیامده بود. لذا این سیاست نوین از تازه گی هایی بود که لنین در برخورد با شرایط جدید بدان متوسل گشت و توانست بدون تسلیم گشتن در مقابل روشنفکران کلیشه ای و قالبی ولی با هدف ایجاد ساختمان سوسیالیسم، سوسیالیسمی که با استقرارش قادر شود شرایطی (هم در عرصه اقتصاد و هم در عرصه سیاست) را در جامعه برقرار کند که سمت و سوی آن به محو طبقات و اختلافات طبقاتی منتهی گردد.

بنابراین آموزش "نپ" بمثابة یک پدیده نوین، آن تعلیم نوینی است که می تواند کمونیست ها را به سلاحی مجهز سازد که در هنگام مواجه گشتن با مشکلات در شرایط جدید، مقدور شوند با ابتکارات و خلاقیت های نوین خویش بر آن غلبه کنند و زمین را برای کاشت نهال های جدیدی که به پهن زار گسترده سبز و خرم سوسیالیسم منجر شود، مهیا گردانند.

"سیاست اقتصادی نوین" (نپ) که آزادی مبادله و تجارت حلقه اساسی آن محسوب می گردید، آن سیاست اصولی و درستی بود که می باید بر بنیان آن تضاد میان پرولتاریا و دهقانان حل گشته و حفظ و تحکیم اتحاد این دو طبقه تحت رهبری پرولتاریا به تحقق درآید.

لنین بر پایه آموزش مارکس و انگلس بخوبی می دانست که در روسیه، کشوری که در آن پرولتاریا اقلیت کوچکی بیش نیست و اکثریت عظیم اهالی را دهقانان زحمتکش و استثمار شونده تشکیل می دهند، تنها زمانی حفظ دیکتاتوری پرولتاریا و در نتیجه ساختمان سوسیالیسم ممکن است که اتحادی محکم و پایدار میان پرولتاریا و این توده زحمتکش روستا علیه سرمایه (در شهر و ده) برقرار گردد.

ضرورت این اتحاد برای پیروزی سوسیالیسم در مبارزه علیه بورژوازی، نه تنها از لحاظ سیاسی بلکه از لحاظ اقتصادی حائز اهمیت بود. بدون این اتحاد که در آن پرولتاریا نقش رهبری را ایفا می کند امکان ساختمان سوسیالیسم متصور نبود.

"سیاست اقتصادی نوین" سیاستی بود بخاطر حفظ و تحکیم اتحاد پرولتاریا و توده های زحمتکش روستا، آنهم در شرایط بسیار وخیم؛ که دهقانان دیگر حاضر نبودند مازاد تولید خود را به دولت تحویل دهند و دولت هم بر اثر خرابی و ویرانی موسسات تولیدی این امکان را نداشت که بتواند همه احتیاجات دهقانان را از لحاظ محصولات مصرفی تامین کند.

جوهر سیاست اقتصادی "نپ" در چیست:

جوهر "ساسیت اقتصادی نوین" از لحاظ سیاسی عبارت از حفظ دهقانان در اتحاد با پرولتاریا تحت رهبری پرولتاریا بود. و از لحاظ اقتصادی عبارت از برقراری پیوند میان شهر و روستا از کانال آزادی مبادله و تجارت بود.

در واقع تجارت آن حلقه اساسی بود که میان اقتصاد روستا و شهر، میان اقتصاد دهقانی و اقتصاد سوسیالیستی پیوند برقرار می کرد.

" سیاست اقتصادی نوین " آزادی محدود تولید و تجارت سرمایه داری در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا است ، در شرایطی که قدرت سیاسی در دست پرولتاریا است و اهرم های اقتصادی در اختیار بخش سوسیالیستی اقتصاد قرار دارد و بهمین خاطر سرمایه داری تحت تابعیت و در خدمت دولت پرولتری می باشد .

نپ بروشنی بر دو نکته استوار است :

نخست اینکه بلافاصله پس از انقلاب سوسیالیستی نمی توان تولید و توزیع سوسیالیستی را مستقر نمود . امری را که حزب بلشویک به آن پرداخت و در عمل به عدم امکان آن پی برد ، که در دوران گذار سرمایه داری به سوسیالیسم تولید کالائی ، پول و ... (در مقیاس محدود) در جامعه باقی می ماند . و این امر بیقین یکی از همان مهر و نشان های اقتصادی جامعه سرمایه داری در فاز اول جامعه کمونیستی است که مارکس از آن یاد می کند .

دوم اینکه هنگامی در جریان مبارزه ، تاکتیکی که بکار گرفته شده در انطباق با اوضاع و احوال نیست و اگر ادامه یابد مبارزه را به شکست خواهد کشانید ، باید جهت دستیابی به هدف از آن تاکتیک دست برداشت و آنرا با تاکتیک جدید و متناسب با اوضاع موجود جایگزین نمود .

به بیان دیگر ؛ اگر انتقال مستقیم و بلافاصله از تولید و توزیع سرمایه داری به تولید و توزیع سوسیالیستی ، پیروزی انقلاب اکتبر و سوسیالیسم را در معرض تهدید و خطر قرار می دهد ، برای رسیدن به هدف از اصرار بر سیاستی که راه بجائی نمی برد دست برداشت و سیاستی جدید در انطباق با شرایط نوین را بکار گرفت . امری را که لنین با الهام از مارکس باستادی تمام بکار گرفت .

لنین در رابطه با اتخاذ چنین سیاستی می نویسد :

" ما همچنین- و لافاقل تا حدود معینی- هنر دیگری را که در انقلاب ضروری است آموخته ایم که عبارتست از نرمش و امکان تغییر سریع و آبی تاکتیک خود با در نظر گرفتن شرایط تغییر یافته عینی و انتخاب راه دیگر نیل به هدف در صورتی که راه گذشته در دوران معینی از زمان خلاف مصلحت و غیر ممکن از آب درآید ... ما فرض می کردیم که با اوامر مستقیم دولت پرولتری و تولید دولتی و توزیع محصولات دولتی را به شیوه کمونیستی در یک کشور خرده دهقانی عملی سازیم ، جریان زندگی اشتباه ما را نشان داد .

یک سلسله مراحل انتقالی یعنی سرمایه داری دولتی و سوسیالیسم لزوم یافت تا انتقال به کمونیسم را تدارک ببینیم آنهم با فعالیتی که سالهای مدید بطول می انجامد . "

(لنین- بمناسبت چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر)

انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم برای تاریخ جهان در آن دوران پدیده ای جدید و بیسابقه و در عین حال پدیده ای بسیار بغرنج و پیچیده ای بود . تعجبی نیست اگر در این کار اشتباهاتی بروز کند و یا نکاتی مهم از دستور فرو افتد . مهم اینست که اشتباه را بموقع دریافت و آنرا اصلاح نمود .

" سیاست اقتصادی نوین " در شرایط آنزمان روسیه ، بخاطر آن بود که انقلاب در مسیر درست قرار گیرد و به پیروزی منجر گردد . تکیه بر دوران مشخص بدین خاطر است که خروشچف و شرکاء در شرایط دیگر ، یعنی در شرایطی که سوسیالیسم در اتحاد شوروی استقرار یافته و اتحاد شوروی به یک کشور نیرومند صنعتی تبدیل گشته بود ، با استناد به نوشته های لنین درباره " نپ " به سوء استفاده تاریخی دست زد تا قادر گردد جامعه شوروی سوسیالیستی را به سرمایه داری باز گرداند .

این در حالی بود که در آنزمان (در دوران لنین) بازگشت محدود و موقت به سرمایه داری در حکم مقدمات گذار به سوسیالیسم معنی داشت ، در صورتیکه (در دوران خروشچف بدنبال توافق بین آمریکا و شوروی) با بازگشت به سرمایه داری نابودی سوسیالیسم را هدف کار خویش قرار داده بود .

دو بازگشت با دو هدف کاملاً متفاوت ، اولی به سوسیالیسم می اندیشید و با استقرار آن توانست در عمل با تبدیل کشور عقب مانده روسیه به دومین کشور بزرگ اقتصادی در جهان برای نخستین بار برتری مناسبات انسان ساز سوسیالیستی را باثبات رساند . دومی با هدف مناسبات سرمایه دارانه به ترسیم جامعه سرشار از تباهی و سیاهی رسید که بعداز فروپاشی رسمی شوروی (در سال ۱۹۹۰) شاهد آن بودیم . امری را که بدروغ امپریالیستها به

سوسیالیسم نسبت می دهند و متاسفانه پاره ای از روشنفکران خرده بورژوا در دام ماشین تبلیغاتی آن گرفتار آمده اند

.